**نقد کتاب: بختیار نامه (لمعة السراج لحضرة التاج) (به تصحیح دکتر محمد روشن)**

**شهاب، علی**

\*

بختیارنامه

(لعمة السراج لحضرة التاج)

تصحیح تحشیه:محمد روشن

چاپ دوم،1367

تیراژ؛3300 نسخه

نشر گستره

از شمار داستانهای باستانی این سرزمین که به دوران اسلامی با نثر متکلف و مصنوع، نامی نو پذیرفت و با عنوان«لمعة السراج لحضرة التاج»تحریری دیگر گونه یافت،یکی همین‏ بختیارنامه است.

نویسنده ناشناختهء این اثر دربارهء کار خود و نام اثر در مقدمه چنین می‏گوید:

«اگرچه نام این کتاب در اصل بختیارنامه بود،اما چون چوب را مجوّف کنند،حقّه‏ خوانند و چون زر را مدور کنند حلقه گویند،که ماده چون صورت نو گیرد نام نو پذیرد،این‏ مجموعه را«لمعة السراج لحضرة التاج»نام نهادم».

از اصل کتاب بختیارنامه،که از آثار ادبی زبان پهلوی بوده است،نشانی به دست نیامده است و فقط می‏توان به گفتهء نویسندهء لمعة السراج لحضرة التاج که در مقدمه آورده است و در بالا قید شد،پی به وجود چنان کتابی برد.

این کتاب به گنجینهء ادب پارسی تعلق دارد و سابقهء قصه‏گوئی و داستانسرائی این قوم‏ کهن را بر ما آشکار می‏سازد.

موضوع بختیارنامه قصه است.قصه‏ها را بختیار می‏گوید(به بهانه‏های مألوف و شناخته‏ شده در داستانهای هزار و یک شب و طوطی نامه و...)او که مورد اتهام واقع شده است،برای‏ برائت خویش و روشن شدن حقیقت به قصه‏گویی می‏پردازد:

«ای پادشاه،بنده را حبس فرمای و به کشتن من تعجیل منمای.باشد که رای عالی را برائت ساحت من معلوم شود،و نزاهت عرض من مفهوم گردد.که قصهء من چون قصهء آن‏ بازرگانی است،که بخت او برگشت و کار او در گشت.روز دولت او ظلمانی شد،و هوای‏ سعادت او دخانی.پادشاه گفت:آن قصه چگونه بوده است؟

بختیار زبان فصاحت بگشاد،و عنقای بیان را پروازی داد،و...